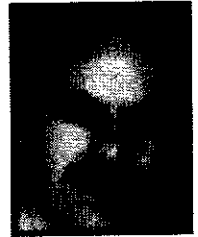


People
before
Profits

جهانی شدن و موقعیت جهان سوم



◆ مسعود سوری

در جهان جدید باید اول در داخل خود را متحد سازد و بعد یک راهکار چندجانبه با جهان سوم تاسیس کند. این گزارش با نگاهی به مناسبات شمال، جنوب قبل از سقوط شوروی معتقد است، مقطع جنگ سرد، مقطع فراز و فرود تئوری‌های مختلف اقتصادی بوده است که عمده ویژگی همه آنها بی‌توجهی به جهان سوم و شرایط داخلی و متفاوت آنها بوده است.

در آن، آثار منفی زیست محیطی و بی‌توجهی به رشد پایدار و توسعه انسانی است. علاوه بر این، وابستگی سیاست‌های توسعه در جهان سوم به ابر قدرت‌ها، وجود بی‌نظمی‌های شدید اقتصادی در نظام بین‌الملل، نگاه ایدئولوژیک بر گفتگوهای شمال و جنوب، ضعف نظام تجاری جهان سوم و ضعف سیاست‌های پولی و مالی کشورهای جهان سوم مانع موفقیت جهان سوم در عصر جنگ سرد شد.

در این گزارش، تاکید شده رشد جمعیت فقر و تخریب محیط زیست رابطه شمال و جنوب را ناموزون کرده است.

در این گزارش، تاکید شده باید یک نگاه جدید به موضوع توسعه با محوریت توسعه پایدار که شامل انگاره‌های توسعه انسانی، رشد مداوم اقتصادی و پایداری زیست محیطی است شکل بگیرد. همچنین یک نگرش مثبت جهانی در قالب جهانی شدن لازم است تا فرصت را به جهان سوم بدهد و بالاخره حکومت‌های جهان سوم نیز باید با یک تحول در عملکرد خود را برای بهبود وضعیت مردم آماده سازند.

علاوه بر این عملکرد نهادهای مالی بین‌المللی باید تغییر کند و نقش سازمان ملل در پیشبرد و هدایت توسعه این کشورها تقویت شود. در این شرایط می‌توان امیدوار بود که روابط شمال - جنوب با تحولات مثبتی مواجه شود. این گزارش برای دستیابی به اهداف فوق، وظایفی را بر عهده جامعه اروپا می‌گذارد و از جامعه اروپا می‌خواهد از تحولات



این گزارش، معتقد است استراتژی‌های توسعه در جهان سوم باید برای موفقیت مردم محور و منسجم باشد و توسط یک دولت پاسخگو انجام شود و یک حکومت خوب آن را اجرا کند.

این گزارش، معتقد است عمده‌ترین مشکلات تئوری‌های توسعه در عصر جنگ سرد، سنتی بودن آنها، نگرش کوتاه مدت به مقوله توسعه، شتابزدگی

با پایان جنگ سرد، اروپا به عنوان یکی از تصمیم‌گیرندگان مطرح در سیاست بین‌الملل بر آن شد تا با باز شدن فضای اقتصاد بین‌الملل به باز تعریف رابطه شمال و جنوب بپردازد به همین دلیل کمیسیون اروپا با راه‌اندازی یک واحد مطالعاتی تحت عنوان مطالعات آینده سعی کرد جایگاه اروپا در رابطه با جهان سوم را باز تعریف کند و راه‌حلی برای بهبود روابط شمال و جنوب و حل مشکلات دو طرف و پیش‌بینی آینده ارائه کند.

این گزارش در ۵ فصل به تجزیه و تحلیل رابطه شمال، جنوب می‌پردازد و معتقد است نزاع شمال، جنوب جانشین نزاع شرق، غرب شده است اما این به معنی ایجاد زمینه مناسب برای توسعه نیست بلکه نزاع‌های داخلی و منطقه‌ای و مشاجرات اقتصادی زمینه را برای نزاع‌های بدتری آماده کرده است و این شرایط اروپا را که از نظر سیاست بین‌الملل ضعیف است دچار دردسر می‌سازد.

این گزارش، معتقد است اروپا برای بازیگری

اقتصاد بین‌الملل و جهان سوم کنار نکشد و در حوزه‌های صلح و امنیت، حقوق بشر، فقر، محیط زیست، صلح و مهاجرت و... مشارکت فعال داشته باشد. باید این اتحادیه از نگاه جغرافیایی و قومی به تحولات جهانی وارد رویکردهای افقی و رهیافت‌های چندجانبه شود تا مثل گذشته اسیر انگاره‌های قومی، نژادی و سفیدپوستانه نشود. به نظر این گزارش در شرایط فعلی آمریکا، اروپا، ژاپن، هند و چین هر کدام مدعی مدیریت یک قطب هستند اما جهان در یک بی‌قطبی قرار دارد که در آن ائتلاف مهم است.

در این گزارش، تاکید شده اتحادیه اروپا اگر می‌خواهد در آینده مهم باشد و جزو تصمیم‌گیرندگان سیاست بین‌الملل و اقتصاد بین‌الملل قرار گیرد باید به یک اتحاد در داخل اتحادیه برسد و تمام اختلافات داخلی را حل کند. اگر اروپا به عنوان یک واحد منسجم اقتصادی و سیاسی مطرح نشود به دلیل ضعف کشورهای عضو نمی‌تواند در جهان اثرگذار باشد.

این گزارش، مدعی است جنوب به مشابه یک بلوک سیاسی افول کرده است و دیگر مثل گذشته نمی‌تواند به عنوان یک واحد سیاسی در تقابل با شمال عمل کند امروز عبارت جهان سوم مثل گذشته در تقابل شمال، جنوب قرار ندارد و تنها مشخصه سایر کشورهای فقیر دور بودن از فرایند تصمیم‌گیری سیاسی است.

این گزارش، کشورهای جهان سوم را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروه اول، کشورهایی که در حال صنعتی شدن هستند مثل ترکیه و مکزیک و گروه دوم، که با رکود اقتصادی و رشد جمعیت مواجه هستند و بقیه کشورهای جهان سوم در حال انزوا هستند و معتقد است دسته اول در آینده از جهان سوم جدا می‌شوند اما بقیه کشورها با مشکل مواجه می‌شوند.

گزارش یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های دوران جدید را رشد دموکراسی و اقتصاد بازار می‌داند. معتقد است این پروسه توسط بسیاری از کشورهای جهان سوم پذیرفته شده است و اصلاحات سیاسی و اقتصادی فراوانی در این کشورها روی داده است و به دلیل ارتباطات و تاثیر مبادلات اقتصادی بین‌المللی، جهان سوم مجبور به تغییر و تحول شده است اما مدل دموکراسی در جهان سوم مثل مدل غربی نیست. یکی دیگر از ویژگی‌های دوران پس از فروپاشی شوروی انقلاب تکنولوژیکی و جهانی

شدن بازارها است که نقش شرکت‌های چندملیتی را در تحولات جهانی تشدید کرده و عقب ماندگی جنوب را افزون‌تر کرده است.

به نظر این گزارش در آینده با یک شمال در جنوب و یک جنوب در شمال مواجه می‌شویم که باعث احیای ایدئولوژی‌های قوی ضد جهانی شدن می‌شود و می‌تواند روند جهانی شدن را تحت تاثیر قرار دهد.

گزارش مدعی است با وجود تمام مشکلاتی که وجود دارد امروز شرایطی در جهان بوجود آمده که نیازمند همکاری در جهانی شدن است و رخت بر بستن درگیری‌های ایدئولوژیک جنگ سرد باعث توافق همگانی در جهان شده است.

گزارش می‌افزاید، تمام جهان با بحران‌های یکسانی مواجه است و در این حال منازعات ایدئولوژیک و ناسیونالیسم افراطی این وضعیت را تهدید می‌کند و احتمال تبدیل شدن منازعات کوچک به بحران‌های بزرگ بالا رفته است به همین دلیل به نظر می‌رسد امروز در نوسان بین چند جانبه‌گرایی و منازعات مختلف قرار دارد و هر چه بتواند به سوی چند جانبه‌گرایی حرکت کند احتمال حل مشکلات بالاتر وجود دارد. در چنین شرایطی اروپا با سه مشکل مواجه است.

- ۱- حل معضلات داخل اتحادیه و رفع اختلافات بین اعضا
- ۲- تثبیت و تقویت رابطه با همسایگان
- ۳- کسب اطمینان از منافع اروپا در جهان و مقابله با بی‌ثباتی منطقه‌ای



در ادامه گزارش به یک مسیر تاریخی از نظریات توسعه و رابطه شمال و جنوب می‌پردازد. گزارش مدعی است که مباحث توسعه در جهان سوم بوسیله تئوری‌های مختلف در قالب مدرنیزاسیون، تعدیل ساختاری، رفرم و سایر تئوری‌ها تجربه‌ای دردناک بوده است که همگی شکست خورده‌اند و سیاست‌هایی چون جایگزینی واردات و توسعه صادرات با فروپاشی کمونیسم جذابیت خود را از دست داده و نظریاتی که راه حل توسعه را تنها در داخل کشورهای جهان سوم یا در خارج از این کشورها و منتسب به نظام بین‌الملل می‌دانست، طرفداری ندارد و پیچیدن نسخه‌های واحد برای توسعه به شکست انجامیده است و نزاع بین تجددگرایان، ساختار گرایان و اصلاح‌طلبان به سرآمده است و امروز همه پذیرفته‌اند که بازیگران حکومتی و غیرحکومتی باید همگام و همراه شوند.

این گزارش، مهم‌ترین مشکلات آینده روابط شمال، جنوب را در چند زمینه اعلام می‌کند که شامل رشد جمعیت، فقر، مواد مخدر، مهاجرت و پناهندگان و مشکلات زیست محیطی است.

به نظر نویسندگان این گزارش جمعیت دنیا به زودی به ۸ میلیارد نفر می‌رسد و تا ۱۲/۵ میلیارد نفر در اواسط قرن ۲۱ افزایش خواهد یافت.

دومین معضل در روابط شمال، جنوب که خود متاثر از رشد بالای جمعیت و سیاست‌های غلط گذشته شمال و جنوب است افزایش فقر است. آمار سازمان ملل نشان می‌دهد هر سال میلیون‌ها نفر بر تعداد فقرا افزوده می‌شود و مشکل امنیت غذایی و گرسنگی آینده روابط شمال، جنوب را تیره کرده است.

فقر و فقرا باعث گسترش شکاف طبقاتی، اختلاف درآمد در کشورهای شمال و جنوب و کاهش شانس دستیابی جهان سوم به رشد قابل قبول می‌شود.

در گزارش مشکل مواد مخدر نیز به عنوان یکی از معضلات آتی در جهان مطرح شده است. مواد مخدر و پولشویی ناشی از آن تبعات منفی بر اقتصاد جهانی دارد و استراتژی مختلف رشد و توسعه را با مشکل مواجه ساخته است. در گزارش، اتحادیه اروپا تاکید فراوانی بر موضوع مهاجرت و پناهندگی شده است. طبق این گزارش تفاوت درآمدها در بین کشورهای فقیر و غنی و فقر علت اصلی مهاجرت از جهان سوم به اروپا اعلام شده است. مهاجرت نه تنها فشار فراوانی بر اقتصاد اروپا بر جای می‌گذارد

(به دلیل نزدیکی اروپا به کشورهای مهاجر فرست در آینده مهاجرت‌های فراوانی به این قاره می‌شود) بلکه باعث کاهش توانایی جهان سوم به شکل فرار مغزها و هزینه پرداختن برای آموزش افراد برای مهاجرت به خارج می‌شود به گونه‌ای که قاره فقیر آفریقا در سال‌های گذشته سالانه ۱/۳ درصد نیروی کار ماهر خود را از دست داده است.

یکی دیگر از مشکلات آینده جهان که بر روابط جهان سوم در کشورهای پیشرفته اثر می‌گذارد، مسایل زیست محیطی است.

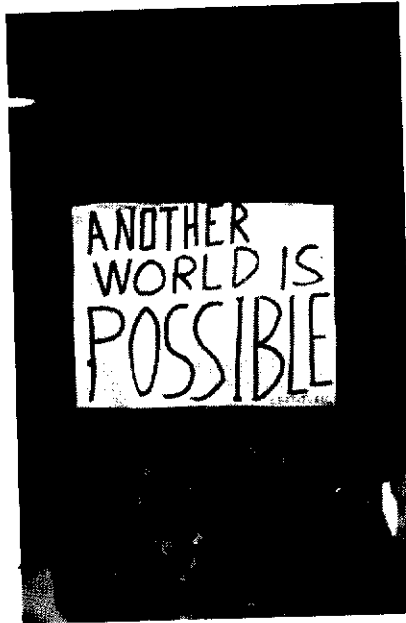
آینده روابط جهان سوم و شمال

گزارش اتحادیه اروپا در جمع‌بندی به این نتیجه رسیده که با توجه به رشد اقتصادی در جهان سوم و کشورهای اروپایی و غرب به نظر می‌رسد شکاف شمال، جنوب ادامه خواهد یافت و بخش اعظم جهان باز هم در حاشیه اقتصاد بین‌الملل زندگی خواهد کرد و همچنان کمترین سهم را از آن خواهد برد. رکود اقتصادی در آفریقا ادامه خواهد یافت و آینده اقتصادی مناطقی چون خاورمیانه بستگی به نزاع‌ها و بحران‌های سیاسی دارد. در آمریکای لاتین رکود خود را به بدترین شکلی نشان خواهد داد و تفاوت‌های شمال، جنوب به شکل گسترده‌تری نمایان می‌گردد و احتمال نزاع بر سر توسعه و رشد در بین کشورهای جهان سوم گسترش می‌یابد.

عوامل مختلفی بر روند آینده روابط شمال، جنوب موثر هستند که از مهم‌ترین آنها همان مشکلات تاریخی و ریشه‌ای جهان سوم مثل فقر، رشد جمعیت، تخریب محیط زیست و چگونگی برخورد مسالمت‌جویانه غرب با جهان سوم، نحوه دسترسی جهان سوم به بازار سرمایه در جهان، نحوه و چگونگی دسترسی جهان سوم و مناطق مختلف و نبود شوک‌های ناشی از کم و زیاد شدن قیمت نهاده‌های انرژی به ویژه نفت است.

در گزارش تاکید شده که به دلیل سیاست‌های ناسیونالیستی در اروپا و نرخ‌های بهره بالا باعث شده جهان سوم نتواند از سرمایه‌گذاری شمال سود ببرد و به دلیل معضل بدهی در جهان سوم این کشورها در روابط خود با شمال درگیر باز پرداخت وام‌ها هستند و تنها در صورت اصلاح این وضعیت می‌توان به آینده جهان سوم امیدوارتر بود.

علاوه بر این تاکنون کشورهای جهان سوم نتوانسته‌اند دسترسی قابل قبولی به بازارهای غرب پیدا کنند و هیچ تضمینی نیز برای آینده وجود ندارد.



اگر کشورهای غرب و پیشرفته ۵۰ درصد از موانع تجاری خود بکاهند، صادرات کشورهای در حال توسعه ۵۰ میلیارد دلار افزایش می‌یابد به همین دلیل یکی از پیش شرط‌های مهم در بهبود روابط شمال، جنوب و افزایش سطح رفاه جهان سوم و بهبود اقتصاد جهان سوم اصلاح بازارهای غرب به نفع جهان سوم است.

علاوه بر این رشد کشورهای جهان سوم ارتباط نزدیکی با رشد صادرات آنها دارد و باعث ایجاد تقاضا برای کالاهای داخلی آنها و توسعه این کشورها می‌شود. کشورهای در حال توسعه تنها زمانی می‌توانند از سهم شایسته‌ای در صادرات به کشورهای شمال برخوردار شوند که به تنوع در تولیدات صنعتی، کشاورزی خود بپردازند و از تک محصولی بودن رهایی یابند. این مهم خود نیازمند مساعدت‌های مختلف شمال است.

یکی دیگر از مشکلات جهان سوم برای دستیابی به یک رشد خوب در آینده و اصلاح روابط با شمال در جهت نفع کشورهای در حال توسعه ایجاد محیط مناسب سیاسی، کاهش تنش‌های سیاسی، قومی و اقداماتی از این قبیل است که حجم بالایی از توان کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌دهد.

و بالاخره جهان سوم در آینده باید هر چه سریع‌تر خود را با جهانی شدن و روندهای مختلف آن، انطباق دهد. در آینده کشورهایی که از روندهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، جهانی شدن دور شوند هیچ جایی در تحولات بین‌المللی ندارند و با دور

شدن از اقتصاد رقابتی از میلیارد دلار سرمایه‌های که در جهان جایجا می‌شود بهره‌ای نخواهند برد.

نتیجه گیری

تغییر وضعیت ژئوپلیتیک جهان و پایان یافتن سیطره نظام دو قطبی، فرصت‌های جدیدی برای ثبات در جهان بوجود آورده است ولی در همان حال امکان و احتمال وقوع تنش و درگیری در بین کشورها را بالا برده است.

به عبارت دیگر جهانی شدن گرچه فرصت‌های زیادی برای جهان سوم بوجود آورده اما در عین حال تهدیدهای فراوانی نیز ایجاد کرده که می‌تواند این کشورها را ضعیف سازد به همین دلیل باید نسبت به تاثیر جهانی شدن بر جهان سوم محتاط بود.

افول درگیری‌های ایندو-لوزیک شرق و غرب و نیز شمال، جنوب باعث نزدیکی جهان در بسیاری از موضوعات شده است و زمینه را برای توسعه جهان سوم فراهم نموده است. این امر احتمال کاهش تنش در جهان سوم را بالا برده اما در همان حال زمینه را برای ایجاد نزاع‌های جدید فراهم نموده است.

همچنین آگاهی جهان از تاثیر متقابل مشکلات اقتصادی، سیاسی جهان سوم بر کشورهای شمال و تاثیر فاکتورهایی مثل رشد جمعیت فقر، مشکلات زیست محیطی و ... بر رشد جهانی زمینه را برای دستیابی به راه‌حل‌های جامع تر و بین‌المللی در جهت توسعه جهان سوم آماده کرده است اما این نیازمند آمادگی جهان سوم و شمال در برخورد یکسان و بدون جهت‌گیری با مشکلات جهان است. تنها با وجود یک حکومت مطلوب، پاسخگو و کارآمد در جهان سوم می‌توان امیدوار بود که جهان سوم بتواند در دوران جهانی شدن بخشی از مشکلات گذشته خود را حل کند و گام‌هایی اساسی در راه رشد و توسعه انسانی‌تر بردارد. این خود نیازمند بهبود ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جهان سوم و توسعه دموکراسی و شکل‌گیری یک حکومت خوب است.

علاوه بر این شمال باید در اقدامات گذشته خود نسبت به جهان سوم تغییراتی جدی بوجود آورد و گذشته پراشتباه خود را در برخورد با جهان سوم تصحیح کند.

تنها در صورت اصلاح عملکرد شمال نسبت به جهان سوم و اصلاح جهان سوم در امور داخلی خود برای هماهنگی بیشتر با روند تحولات بین‌المللی می‌توان امیدوار بود که استراتژی‌های جدید توسعه در جهان به نفع دوطرف باشد.